

Examining the Technical and Content Features of Ḥur 'Āmili's Poem in Praise of Imam Riḍā (as)

Heydar Mahallati ¹

Received: June 11 , 2022

Accepted: September 11 , 2022

Abstract

Muhammad ibn Hassan Ḥur is one of the Shiite scholars of the 11th century of Hijri and one of the great narrators who has a high position in narrating the Ahl al-Bayt (as) hadiths. In this regard, he authored the book *Wasā'il al-Shī'a*, which is considered an important reference in its subject. Sheikh 'Āmili was an expert in intellectual and narrative sciences and has left behind precious works. Ḥur 'Āmili's reputation in narrating hadith cast a shadow on his other works and put his other works under the shadow of this science. One of the artistic creations of this great scholar is his poetic nature, which is fully manifested in his 15,000 verses poem. The most important subject of Ḥur 'Āmili's poetry book is the praise and lamentation of the Prophet's progeny. The handwritten version of this poetry book is full of *dhikr* of Ahl al-Bayt (as), which is written with the beautiful expression of the poet. Since this poetry book has not been published yet, the need to introduce and identify the valuable content of this work is much greater. Among the hundreds of religious and ritual odes in this poetry book, there is only one ode that is dedicated to the praise of Imam Riḍā (as). This poem contains valuable points and its expression is of special importance. One of the results of this research is the recognition of the argumentative dimension of the poet in using rational and narrative reasons in this ode, which is clearly evident in Ḥur 'Āmili's eulogies centered on Ahl al-Bayt (as).

Keywords: Imam Riḍā (as), Ḥur 'Āmili, Arabic Poetry, Stylistics.

1. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Qom, Qom, Iran: dr.mahallati@yahoo.com



بررسی ویژگی‌های فنی و محتوایی

قصیده حُرّ عاملی در مدح امام رضا (علیه السلام)

دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲۱ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۰

حیدر محلاتی^۱

چکیده

محمد بن حسن حُرّ عاملی از علمای شیعه قرن یازدهم هجری و یکی از چهره‌های بزرگ روایی است که در نقل احادیث اهل بیت (علیهم السلام) مقام والایی دارد. وی در این خصوص کتاب «وسائل الشیعه» را تألیف کرد که در موضوع خود مرجع مهمی به شمار می‌آید. شیخ عاملی در علوم عقلی و نقلی صاحب نظر بود و تألیفات گران‌سنگی را از خود به یادگار گذاشته است. شهرت حُرّ عاملی در نقل احادیث بر سایر تألیفات او سایه افکند و دیگر آثار خود را تحت الشعاع این علم قرار داد. یکی از خلاقیت‌های هنری این عالم بزرگ طبع شعری اوست که در دیوان ۱۵ هزار بیت وی کاملاً متجلی است. مهم‌ترین موضوع دیوان حُرّ مدح و رثای خاندان نبوت است. نسخه خطی این دیوان سرشار از ذکر اهل بیت (علیهم السلام) است که با بیان زیبای شاعر سروده شده است. از آنجا که این دیوان تا کنون منتشر نشده، ضرورت معرفی و شناسایی محتوای ارزشمند این اثر دوچندان شده است. از میان صدها قصیده دینی و آیینی این دیوان تنها یک قصیده وجود دارد که مختص مدح امام رضا (علیه السلام) است. این سروده دارای نکات ارزشمندی است که بیان آن اهمیت ویژه‌ای دارد. این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی سعی می‌کند ویژگی‌های فنی این قصیده را شناسایی و محتوای روایی و ادبی آن را تحلیل کند. یکی از نتایج این پژوهش شناخت بُعد استدلالی شاعر در به‌کارگیری دلایل عقلی و نقلی در این قصیده بوده که این رویکرد در مدیحه‌سرایی‌های حُرّ با محوریت اهل بیت (علیهم السلام) کاملاً مشهود است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (علیه السلام)، حُرّ عاملی، شعر عربی، سبک‌شناسی.

۱. مقدمه

آموزه‌های دین مبین اسلام و رهنمودهای ارزشمند اهل بیت (علیهم‌السلام) همواره مورد توجه علمای دین و حافظان شریعت محمدی بوده که در طول ادوار مختلف با جان و دل از آن حمایت و نگهداری کرده‌اند. مواظبت و محافظت از این میراث گران‌بها و پرمایه به اشکال گوناگون صورت می‌گرفته است. این امر خطیر گاه با تألیف کتاب در حوزه علوم دینی مانند کتاب‌های حدیثی، اعتقادی، فقهی، تفسیری و... و گاه با احتجاج و مباحثه و استدلال و مناظره و گاه با شعر و نظم قصاید محقق می‌شده است. خُر عاملی در نشر و گسترش علوم اسلامی و معارف روح‌بخش خاندان نبوت از همه این ابزارها استفاده کرده و آثار به جا مانده ایشان گواه بر این ادعاست.

یکی از راه‌های مهم و اثرگذار نشر دین و فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام) بهره‌مندی از هنر شعر و شاعری است. شیخ عاملی با کمک قریحه شعری خود توانسته اشعار فراوانی را در این زمینه بسراید. در بررسی آماری دیوان خطی شیخ خُر مشخص شد که بیش از ۱۱ هزار بیت در موضوعات دینی و آیینی شعر سروده شده است. اگر مجموع ابیات دیوان خُر عاملی را حدود ۱۵ هزار بیت بدانیم، نتیجه می‌گیریم بیش از ۸۰ درصد دیوان به ذکر مناقب و فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) اختصاص یافته و این موضوع نشانگر عمق تعهد و پایبندی شاعر به گسترش معارف خاندان نبوت است.

از میان هزاران بیت این دیوان بزرگ قصیده‌ای کامل در مدح امام رضا (علیه‌السلام) سروده شده که با توجه به موضوع خود از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مسئله این پژوهش معرفی، تحلیل، نقد و بیان ویژگی‌های فنی و ادبی این قصیده است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، این موضوع را بررسی کرده و کاویده است. از این رو، این پژوهش در پی پاسخ به دو سؤال زیر است:

۱. قصیده خُر عاملی در مدح امام رضا (علیه‌السلام) شامل چه موضوعات و مضامینی است؟

۲. این قصیده از نظر الفاظ، معانی و صنایع بدیعی از چه ویژگی‌های فنی برخوردار است؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

دربارهٔ معرفی، بررسی و نقد آثار حدیثی، فقهی و دینی حُرّ عاملی پژوهش‌های فراوانی وجود دارد. این تحقیقات نشان می‌دهد که پژوهشگران بیشتر بر مطالعهٔ آثار مشهور شیخ تمرکز کرده و کمتر به آثار دیگر او مانند آثار شعری و ادبی پرداخته‌اند. از این رو، بخش ادبی و شعری آثار حُرّ عاملی مورد توجه واقع نشده به جز مواردی که به برخی اشعار حُرّ اشاره کرده باشد؛ اما در خصوص قصیدهٔ حُرّ عاملی در مدح امام رضا (علیه السلام) به‌رغم جست‌وجوهای فراوان پیشینه‌ای یافت نشد.

از جمله پژوهش‌هایی که به‌صورت غیرمستقیم به مبحث شعر حُرّ عاملی پرداخته می‌توان به این موارد اشاره کرد: مقالهٔ «غدیریه الشیخ الحُرّ عاملی فی مدح الإمام علی (علیه السلام): درسه فنی» نوشتهٔ عدنان کاظم مهدی شعبان و صادق فوزی النجدادی (۲۰۱۵) است که در مجموعهٔ «انسکلوپدیای علوی» منتشر شده است. نویسندگان در این مقاله ابیاتی از تائیهٔ حر عاملی در مدح امام علی (علیه السلام) را از نظر معنایی و مفهومی بررسی کرده و در چند مورد به صنایع بدیعی به کار رفته در این قصیده اشاره کرده‌اند. مقاله‌ای با عنوان «غدیریه للشیخ محمّد بن الحسن الحُرّ عاملی» نوشتهٔ اسد مولوی (۱۴۱۰ ق) است که در مجلهٔ «تراثنا»، چاپ شده است. نویسندهٔ مقاله به معرفی قصیدهٔ تائیهٔ مذکور می‌پردازد و در پاورقی معنی کلمات آن را توضیح می‌دهد. مقالهٔ «تخمیس لامیه العجم للحُرّ عاملی»، اثر اسعد الطیب (۱۴۲۱ ق) است که در مجلهٔ «تراثنا» منتشر شده است. نگارندهٔ این مقاله توضیحات مختصری در خصوص معرفی قصیده ارائه و سپس اصل آن را نقل می‌کند.

با توجه به این که حُرّ عاملی از شاعران جبل عامل لبنان است، می‌توان به منابعی که در خصوص جنبش ادبی این خطه نوشته شده، اشاره کرد، مانند: کتاب «روائع الشعر العاملی» اثر سید محسن الامین و کتاب «معالم الادب العاملی حتی القرن الثانی عشر الهجری» نوشتهٔ عبد المجید الحر (۱۹۸۲) و کتاب «الحركة الفكرية والادبية في جبل عامل» اثر محمد کاظم مکی (۱۹۸۲).

۲. نگاهی به زندگی خُر

سُرایندهٔ قصیدهٔ مورد پژوهش از علمای صاحب‌نام جبل عامل در جنوب لبنان است. در ذکر نام و نسب او آمده: «محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین خُر عاملی سال ۱۰۳۳ قمری در روستای لبنانی «مشغری» متولد شد و در سال ۱۱۰۴ در شهر مشهد وفات یافت» (امین، ۱۹۸۳، ج ۹: ۱۶۷). زادگاه شاعر یکی از روستاهای واقع در بقاع غربی لبنان است» (ظاهر، ۲۰۰۶، ج ۲: ۲۸۱). خُر عاملی در خانه‌ای بزرگ شد که به عالم‌پروری معروف بود. از چهره‌های سرشناس این خاندان بهرهٔ وافر گرفت و از محضر عالمانی چون پدرش شیخ حسن خُر عاملی و عموی پدرش شیخ عبد السلام خُر عاملی و دایی پدرش شیخ علی بن محمود عاملی و شیخ حسین ظهیری و شیخ زین الدین نوادهٔ شهید ثانی درس آموخت (خشن، ۲۰۰۹: ۱۰۱).

شیخ عاملی در احیای میراث اسلامی و گسترش نهضت علمی پیشرو بود. آثار ارزشمند او که بسیار مُتقن نگاشته شده، نشانهٔ بهره‌مندی وی از منابع علمی و معارف بلند اسلامی است. علاوه بر دایره‌المعارف حدیثی «وسائل الشیعه» کتاب‌هایی بسیار مهم در کلام، رجال، اعتقادات، تفسیر، ادبیات و دیگر علوم به رشتهٔ تحریر درآورده است، مانند: «امل الآمل فی علماء جبل عامل» و «الفصول المهمه فی اصول الائمه»، و «العربیه العلویه واللغه المرویه» (خُر عاملی، ۱۹۸۳، ج ۱: ۱۴۲-۱۴۵).

این عالم ذی فنون افزون بر تألیفات پرشمار در موضوعات مختلف دینی، روایی و اعتقادی در شعر و شاعری نیز ید طولایی داشت. دیوان او که مجموعهٔ عظیم شعری است مملو از مضامین دینی و موضوعات گوناگون شعری بوده است. این شاعر صاحب‌ذوق به اکثر اغراض شعری مانند: وصف، مدح، رثا، اشتیاق، حکمت و اندرز پرداخته، اما پرداختن به مباحث دینی و ذکر منقبت اهل بیت (علیهم‌السلام) و مدح و رثا و ستایش این خاندان مطهر در رأس موضوعات این دیوان قرار دارد.

هر کس دیوان خُر را بخواند، او را شاعری پرکار، چیره‌دست، صاحب‌ذوق، آگاه از فنون ادبی و متبحر در به‌کارگیری صور بلاغی و آرایه‌های بدیعی می‌یابد. یکی از شاخص‌ترین

ویژگی‌های حُرّ سرودن اشعار بلند و طولانی است. شاعر به‌رغم گسترهٔ وسیع موضوعی و سرایش قصاید چند صد بیتی از هرگونه تنزل کیفی یا ضعف فنی در نظم مصون بود. زیبایی و گیرایی شعر حُرّ بیشتر مدیون چینش هنرمندانهٔ واژه‌ها و ترکیبات و کاربرد استادانهٔ صنایع بدیعی است. احساسات لطیف، ظرافت‌ها و استعدادهای فطری شاعر همگی در پویایی و جذابیت چکامه‌های حُرّ نقش‌آفرین بوده است.

۱-۲. معرفی قصیده

قصیدهٔ بایئهٔ حُرّ عاملی در مدح امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در ۴۹ بیت سروده شده است. شاعر در این قصیده از بحر وافر (مفاعلتن مفاعلتن فعولن) استفاده کرده که این وزن در شعر عربی از لطافت، ظرافت و زیبایی موسیقایی برخوردار است. با توجه به ضرب‌آهنگ لطیف، آرام و مؤثر این بحر در گوش و روح و روان شنونده، بیشتر در اغراض شعری مانند مدح و ثنا کاربرد دارد (انیس، ۱۹۵۲: ۷۴). از این رو، خوانندهٔ چنین قصیده‌ای همواره تحت تأثیر آهنگ‌های زیبای شعر قرار می‌گیرد و پیوسته پویایی، جذابیت و زیبایی را با تمام وجود حس می‌کند.

در این پژوهش سعی شده تا مطالب اصلی قصیده در دو محور زیر بررسی و تحلیل شود:

۲-۲. موضوعات قصیده

قصیدهٔ حُرّ عاملی دارای موضوعات و مضامین متعددی است که شاعر به‌روشنی و شفافیت تام بدان اشاره کرده است. موضوعاتی مانند: کسب فضایل اخلاقی، ضرورت بازنگری در اعمال و رفتارها، توصیف ممدوح، بیان مشکلات جامعه، ستایش امام رضا (علیه السلام)، ذکر مناقب ایشان، طلب شفاعت از امام در روز جزا و پرداختن به موضوع ظهور حضرت حجت (علیه السلام)، این موضوعات به شرح ذیل بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱. نکوداشت فضایل اخلاقی

شاعر در ابتدای قصیده خود از اهمیت کسب فضیلت‌ها و سجایای نیک اخلاقی سخن می‌گوید و از این موضوع پندآموز به عنوان حُسن مطلع استفاده می‌کند تا ذهن مخاطب را برای ورود به مباحث قصیده آماده سازد. خُر عاملی با بهره‌مندی از رویکرد بیانی شفاف و روشمند در پی القای این امر مهم بود که بهترین توشه انسان ارزش‌های اخلاقی اوست. این شروع معنادار شاعر با سبک گفت‌وگوی محور متجلی می‌شود. از این‌رو، سرآغاز و مطلع قصیده با گفت‌وگویی صریح بین شاعر و سرزنشگران آغاز می‌شود که شاعر در آن خواستار توقف ملامتگران از سرزنش او شده است. شایان ذکر است که این شروع سبک قدیمی است و در اشعار پیشینیان مرسوم و متعارف بود. شاعر در آغاز قصیده‌اش این‌گونه می‌سراید:

دعانی مِن مَلَامٍ أَوْ عِتَابٍ فَمَا لِي عَن ضَلَالِي مِن مَتَابٍ
أَعْن كَسْبِ الْفَضَائِلِ تَنْهِيَانِي وَذَلِكَ خَيْرٌ سَعْيٍ وَاِكْتِسَابِ
وَقَفْتُ عَلَى الْهَوَى وَالْمَجْدُ قَلْبِي وَقَدْ غَلَبَ الْهَوَى عَصْرَ الشَّبَابِ
وَبَعْدَ الشَّيْبِ صَارَ الْمَجْدُ أُولَى بِهَذَا الْوَقْفِ مِن جَهْلِ التَّصَابِي

(خُر عاملی، دیوان: ۹۸)

ترجمه: «مرا ملامت و سرزنش نکنید که من دست از گمراهی و سرگردانی خود برنمی‌دارم. مرا از کسب فضیلت‌ها که بهترین تلاش و کسب است باز می‌دارید؟ در اوان جوانی که دوران عاشقی است من خواستار فضیلت بودم و در دوران پیری نیز اولویت با فضیلت است که از شور جوانی بهتر است.»

شاعر قصیده ولایی خود را با مطلع طلبی آغاز می‌کند، تا به مخاطب خود اعلام کند که او دست از جست‌وجوی گمشده خویش برنمی‌دارد. این گمشده همان کسب مکارم و فضیلت‌هاست. این معنی در مصراع دوم با کلمه «ضلالی» تأکید شده و از ریشه همین کلمه واژه «ضاله» اشتقاق یافته که به معنی گمشده است. در این بیت اشاره‌ای پنهان به کلام برداران حضرت یوسف در خطاب به پدرشان وجود دارد که دست از جست‌وجوی

گمشدهٔ خودش یعنی حضرت یوسف بر نمی‌داشت: «قَالُوا تَاللّٰهِ اِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ» (یوسف، ۹۵). شاعر با این اقتباس لفظی و معنایی هوشیاری مخاطب را جلب می‌کند تا نشان دهد مراد او از کلمهٔ «ضلالی» انحراف از صراط مستقیم نیست بلکه جست‌وجوی مقصود و یافتن گمشده است.

۲-۲-۲. ضرورت بازنگری در رفتارها

شاعر در ادامه به سبک قدیمی دیگر روی می‌آورد و همانند شاعران گذشته به یاد جوانی و آرزوی بازگشت روزهای خوش آن پس از پیری می‌افتد؛ اما این آرزوهای خام چندان بر مخیلهٔ شاعر حکم فرما نمی‌شود و شاعر بی‌درنگ به این حقیقت مهم پی می‌برد که بالندگی و سرافرازی انسان از رهگذر طلب علم و کسب فضیلت محقق می‌شود نه از راه ادعاهای پوچ و ساده‌لوحانه گذشته. او با استدلال عقلی به این نتیجه می‌رسد که با گذشت دوران جوانی و آغاز دوران پیری باید محتاطانه و هوشیارانه عمل کرد چون به سنی رسیده که مستلزم بازنگری در اعمال و رفتار خود باشد:

لقد جاز الحسابُ فصارَ فرضاً علينا اليومَ تصحیحُ الحسابِ
فقلبی مائلٌ نحوَ المعالی کذی ظمأً یمیلُ إلى الشَّرَابِ
فإن خالفتمُ فَدَعُوا ملامی وإن فارقتمُ فَدَعُوا عتابی
فلی هممٌ أفادتنی هموماً أطالَت محنتی وجنت عذابی
أداویها بجدِّ واجتهادٍ وسیر فی الدیاجی واغترابِ

(حُرّ عاملی، دیوان: ۹۸)

ترجمه: «حساب اعمال ما لبریز از گناه شده است. پس امروز باید حساب‌ها را تصحیح کنیم. قلب من جویای فضیلت است همچون تشنه‌ای که در جست‌وجوی آب است. اگر با شما مخالفت ورزم ملامت‌م نکنید و اگر از شما جدا شوم سرزنش‌م نکنید. همت‌های بلندی دارم که باعث اندوه من شده و رنج و عذابم را طولانی کرده است. این رنج و عذاب را با تلاش و زحمت و شب‌رویی و تحمل غربت چاره‌جویی می‌کنم.»

همان گونه که مشاهده می‌شود شاعر در ابیات فوق از صنعت «مذهب کلامی» استفاده کرده که یک صنعت معروف در باب محسنات معنوی در علم بدیع محسوب می‌شود. گوینده در این رویکرد با استفاده از روش متکلمان به استدلال‌های عقلی و آوردن دلایل منطقی روی می‌آورد تا مخاطب خود را متقاعد سازد که کلام او کاملاً صحیح و بر اساس برهان‌های قاطع بیان شده است (ابن معصوم، ۱۹۶۹، ج ۴: ۳۵۶). اینکه متکلم اذعان می‌کند که حسابش از گناه سنگین شده و اعمال گوناگونش به بازنگری و محاسبه نیاز دارد، امری شرعی، منطقی و مورد قبول عقل است. شاعر نه تنها به این استدلال منطقی بسنده می‌کند، بلکه سرزنش‌کنندگان را دعوت می‌کند تا به عتاب و ملامت پایان دهند چون کار او خردمندانه و از سر حکمت بوده است.

آنچه در این ابیات به وضوح دیده می‌شود، سعی شاعر بر تکمیل فرایند قانع‌سازی مخاطب است. این فرایند با استدلال عقلی شروع شد و با بهره‌مندی از محسنات معنوی ادامه یافت و سپس با استفاده از تشبیه صریح (تشنه‌ای که جویای آب) به محتوا عمق بخشیده شد و سرانجام با کمک یکی از محسنات لفظی یعنی جناس پایان یافت. قرار گرفتن دو کلمه هم‌ریشه «همم» و «هموم» که جناس اشتقاق دارند، زیبایی خاصی به کلام بخشیده است. این زیبایی مشهود در حالی عیان شد که شاعر در به‌کارگیری صور بلاغی مختلف به دور از هرگونه تصنع و تکلف عمل کرده، و توانسته لفظ و معنا را در قالب صنایع بدیعی متحد و یکپارچه کند.

بدین شکل خواسته‌ها و مضامین قصیده به صورت منظم و هماهنگ و در مجموعه واحدی سامان یافتند. این سامان‌یافتگی که با بیان آرزوهای قلبی شاعر و استدلال‌های عقلی او شروع و سپس به تحمل رنج و عذاب هجران منتهی شده، به منظور زمینه‌سازی برای ورود به مقصود بوده که همان ستایش ممدوح و ذکر مناقب او است.

۲-۲-۳. توصیف ممدوح

شاعر پس از بیان انواع استدلال‌ها و مقدمه‌چینی‌ها به اصل موضوع می‌رسد که همان

مدح امام رضا (علیه السلام) است. انتقال شاعر از تعلیل به مدح با یک ظرافت خاص صورت می‌گیرد. حُرّ عاملی با استعانت از فکر پویا، ذهن خلاق و قریحه شعری خود جناس فوق العاده جذاب و زیبایی را ابداع می‌کند که صنعت ادبی را به روشنی نشان می‌دهد:

وَمَعْنَى طَوْسٍ مَغْنَطِيسُ قَلْبِي لِحُبِّي لِلرُّضَا لَا لِلرُّضَابِ

(حُرّ عاملی، دیوان: ۹۸)

ترجمه: «سرزمین طوس همانند یک آهن‌ربا قلب مرا می‌رباید، به خاطر عشق امام رضا نه به خاطر معشوق دیگر.»

آراستگی بیان، زیبایی ترکیب، گزینش استادانه کلمات، چینش هنرمندانه جناس‌ها، روانی عبارات و نوای آهنگین بیت همگی در کم‌رنگ شدن آثار صنعت مؤثر بوده و گویا این بیت صنعتی به خود ندیده است. شاید مهم‌ترین ویژگی جناس به کار رفته در دو واژه «الرضا» و «الرضاب»، و «معنی طوس» و «مغناطیس» ابداع و نوآوری است. این نوع از جناس آفرینی نشانگر دقت و حرفه‌ای بودن شاعر در ابتکار صور بلاغی جدید است.

این تصویر هنرمندانه و بی‌نظیر شاعر احساس بسیار زیبایی را در مخاطب ایجاد می‌کند و او را برای ورود به موضوع بعدی آماده می‌سازد. در چند بیت بعدی شاعر گریزی انتقادی به جامعه می‌زند و از ناهنجاری‌ها و برخوردهای ناشایست و رشک‌برانه برخی افراد اظهار ناخرسندی می‌کند:

وَإِنْ تَكُنَّ الطُّبَّاءُ هُنَاكَ شَتَّى فَقَدْ حُمِيَتْ بِأَنْيَابِ الْكَلَابِ
أَرَاهَا جَنَّةٌ حُرْسَتْ وَحُقَّتْ بِأَنْوَاعِ الْمَكَارِهِ وَالْعَذَابِ
مَحَلٌّ عِبَادَةٍ وَعِلْمٍ دِينٍ وَأَسْبَابِ التَّقَرُّبِ وَالتَّوَابِ
وَإِنْ أَكْ قَدْ شَقِيَتْ بِهِ فِائِي سَأَسْعُدُ بِالْمُنَى يَوْمَ الْمَثَابِ

(همان: ۹۸)

ترجمه: «آنجا زیبارویان فراوانند، اما به وسیله سگان احاطه شدند. آنجا را بهشتی

محافظت شده می‌بینم که اطراف آن پر از رنج و عذاب است. آنجا محل عبادت و فراگیری علوم دین است. آنجا محل کسب ثواب و تقرب الی الله است. اگر در این راه دچار مشقت شوم سرانجام در روز جزا به آرزوی خودم می‌رسم.»

۲-۲-۴. آسیب‌شناسی جامعه

نگاه شاعر به مشکلات جامعه از منظر آسیب‌شناسی اجتماعی و توجه وی به رفتارهای ضد اخلاقی موجود در عصر خود بسیار حائز اهمیت است. این رویکرد نشانه‌درک عمیق و فهم دقیق شاعر از اوضاع و احوال نابسامان جامعه است. خُر عاملی با توجه به تعهد، وظیفه‌شناسی و احساس مسئولیت در برابر مسائل جامعه از هر مناسبت بهره‌وافی را می‌برد تا نقاط تاریک و آسیب‌پذیر جامعه را روشنی بخشد و برای حل آن چاره‌جویی کند.

شاعر در این ابیات، محل ممدوح خود را سرشار از نعمت، فراوانی، شادی و سرور توصیف کرد؛ اما این زیبایی‌های بی‌شمار عاری از رنج و محنت نبوده و در احاطه‌بلا و مصیبت قرار گرفته است. شاعر این نظر را با اقتباس از کلام رسول خدا ﷺ مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد. حضرت فرمود: «حُفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۶۷: ۷۸). همان طوری که ملاحظه می‌شود در این حدیث نوعی مجاز ظاهری وجود دارد و به گفته سید رضی مجموعه افعال و اعمال انسان که او را به بهشت می‌رساند سخت و دشوار است و راه آن شاق و ناهموار. به همین خاطر این گفته پیامبر از نگاه مجاز قابل درک و تفسیر است (شریف رضی، ۱۹۶۸: ۳۸۷). با همه این اوصاف و بهرغم همه رنج‌ها و مشقت‌هایی که شاعر تحمل می‌کند، او ترجیح می‌دهد در این دیار سکنی گزیند؛ چون که محل علم و عبادت است و مکانی آرمانی برای تقرب الهی محسوب می‌شود و با کسب ثواب اخروی در روز قیامت به آرزوی خود نائل خواهد آمد.

۲-۲-۵. ستایش امام رضا (علیه السلام)

خُر عاملی پس از وصف دقیق و معنادار محل ممدوح به ستایش امام رضا (علیه السلام) می‌پردازد

و او را با خصلت‌های نیک و مکارم رفیع اخلاقی توصیف می‌کند:

حَوّت مولى تنزّه عن نظير
عزیز الجار محروس الجناب
إمام ثامن بل ضامن لل
موالی الفوز مع نیل الطلاب
کریم عندّه بذل العطايا
علیم عندّه علم الكتاب

(حُرّ عاملی، دیوان: ۹۸)

ترجمه: «شهر طوس، امامی را در برگرفته که در حفظ حرمت همسایه و پناهجوی خود بی نظیر است. او هشتمین امام است که خواستهٔ موالیان خود را برآورده، و سعادت و رستگاری آنان را تضمین می‌کند. او کریم است و بخشش نزد اوست. او علیم است و علم کتاب نزد اوست.»

ممدوح از نظر شاعر انسانی شریف و بی نظیر است. او مال خود را در حفظ کرامت انسان‌های بی پناه انفاق می‌کند. از علم کتاب آگاه است و موفقیت و رستگاری یاران خود را تضمین می‌کند. این معانی عالی و اوصاف برجسته در قالب الفاظ برگزیده و ترکیبات ناب ذکر شدند.

شاعر پس از توصیف سجایای اخلاقی و یادآوری مناقب ممدوح به ویژگی علمی مهمی اشاره می‌کند که در وجود حضرت امام هشتم (علیه السلام) بسیار برجسته و آشکار است. این خصوصیت علمی منحصر به فرد همان توانایی بی نظیر امام رضا (علیه السلام) در احتجاج‌ها، مناظره‌های کلامی و استدلال‌های علمی با پیروانان مذاهب و نحل مختلف است. پاسخ‌های علمی، مستدل، دقیق و قانع‌کنندهٔ امام از دیدگاه شاعر تکیه‌گاه و محور اصلی این ویژگی بی‌مانند است:

حَصِيْمٌ خَاصَمَ الْعُلَمَاءَ طُرّاً
فأفحّمهم مليّاً بالجواب
وعادَ صوابهم خطأً وقول ال
رضا ودليله عين الصواب
من التوراة والإنجيل بعد ال
زبور أفادهم فصل الخطاب

(همان: ۹۸)

ترجمه: «امام با همهٔ علما و اندیشمندان مناظره کرد و همهٔ آنان را متقاعد ساخت. خطا و نادرستی کلام آنان معلوم شد و درستی و استدلال امام عین صواب بود. حضرت به تورات و انجیل و زبور استناد و کلام آخر را به آنان القامی کرد.»

در اینجا شاعر به مناظره‌های امام با علمای ادیان غیر اسلامی مانند یهودیت، مسیحیت و دیگر ادیان اشاره می‌کند. در کتب احادیث و احتجاج تعداد فراوانی از گفت‌وگوها و مناظره‌هایی نقل شده که امام رضا (علیه السلام) با اصحاب ادیان و مذاهب مانند: جاثلیق، رأس الجالوت، رؤسای صابئین، هر بذر بزرگ، زردشتی‌ها، عالم رومیان و علمای علم کلام با گرایش‌های مختلف مذهبی داشتند. این مناظره‌ها که بسیار طولانی هستند در مسائل اعتقادی و کلامی گوناگونی ایراد شدند که امام (علیه السلام) با استناد به کتاب‌ها و منابع همان ادیان و مذاهب به بیان شواهد نقلی و دلایل عقلی و احتجاج منطقی پرداختند (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۷۲). با بررسی دقیق این مناظره‌ها و مباحثه‌های علمی جایگاه رفیع امام در مسائل علمی و عظمت حضرت در میان علمای هم‌عصر خود و نیز نفوذ کلام ایشان در جان و دل مخاطبان از علمای دیگر ملل و نحل آشکار می‌شود.

پس از این مقدمهٔ کوتاه که در معرفی موضوع بیان شده، شاعر به توصیف مدعیان مناظره‌گر که عاجز و ناتوان در برابر امام (علیه السلام) و استدلال‌های مستند، علمی و منطقی ایشان ایستادند، می‌پردازد. نکتهٔ جالب توجه در این توصیف، تصویرسازی‌های مملو از تشبیه‌ها و صور بلاغی شاعر است. این توصیف‌ها و تصویرها به گونه‌ای بیان شدند که گویا مناظره‌ها به صورت زنده در حال پخش است و بیننده و شنونده به صورت مستقیم در جریان جزئیات گفت‌وگوها و نکات دقیق مناظره‌ها قرار دارد:

بَدَتْ بَيْنَ الْأَسْوَدِ أَوْ الذَّنَابِ	إِذَا بَرَزُوا لَهُ فَهَهُمْ ظُبَاءٌ
قَتَالَ الصَّقْرُ جَهْلًا وَالْعُقَابِ	وَإِنْ صَالُوا فَقَدِ رَامَتْ بُعَاثٌ
وَأَوْجَهُهُمْ كَأَجْنَحَةِ الْغُرَابِ	وَرَأَى وَوَجْهَهُ كَالشَّمْسِ نَوْرًا
لَذَى ظَمًا كَالِ أَوْ سَرَابِ	هُوَ الْمَاءُ الزَّلَالُ وَهُمْ جَمِيعًا
كَوْجِهٍ مَلِيحَةٍ تَحْتَ النِّقَابِ	لَهُ وَجَةٌ يَلُوحُ خِلَالَ نَوْرِ

إذا احتفلوا له لم يخش منهم أَيْخِشَى اللَّيْثُ مِنْ وَقَعِ الدُّبَابِ

(حُرّ عاملی، دیوان: ۹۸)

ترجمه: «اگر در برابر امام صف‌آرایی می‌کردند همچون آهوآنی بی‌دفاع بودند که در مقابل شیران یا گرگ‌ها قرار می‌گرفتند. اگر حمله می‌کردند همانند گنجشک‌های کوچکی بودند که از سر نادانی سودای حمله به عقاب را در سر می‌پروراندند. چهرهٔ امام همچون خورشید درخشش گرفت و چهرهٔ آنان همچون بال‌های کلاغ سیاه گشت. امام برای تشنه لبان آب زلال بود و همهٔ آنان سراب و بی‌آبی بودند. چهرهٔ امام همچون چهرهٔ پنهان زیبارویان زیبا و ملیح بود. امام در برابر همهٔ مدعیان که تمام قد در مقابل امام ایستاده بودند هراسی نداشت، مگر شیر از وزوز مگسان می‌ترسد؟!»

شاعر در ابیات فوق حال مجادله‌کنندگان را ناپایدار و شکننده توصیف می‌کند و اینکه آن‌ها جز شکست در برابر امام رهاورد دیگری نداشتند. استدلال قوی امام و منطق علمی ایشان راه را بر هرگونه ادعای ناصحیح مسدود کرده است. حُرّ عاملی پس از توضیح این بُعد از حیات امام دلایل مهاجرتش به خراسان را می‌گوید:

لقد فارقتُ أوطانِي وأهلي وقد جاورتُ في أعلى جنابِ
 إذا رَضِيَ الرَّضَا عَنَّا رَضِينَا ولم نحفل بأقوامِ غِضَابِ
 وأحسبُهُ وإن عَظُمَت ذنوبِي سيشفعُ لي غداً يومَ الحِسابِ
 فإنَّ نداءهُ فاقَ نَدَى البرايا وأخجلُ صَوْبُهُ صَوْبَ السَّحَابِ

(همان: ۹۸)

ترجمه: «دیوار و یار را ترک کردم و در مجاورت عالی‌ترین جناب سکنی گزیدم. اگر حضرت رضا از ما خشنود باشد ما نیز خشنود خواهیم شد و اهمیتی به کسانی که خشمگین هستند، نمی‌دهیم. در این امیدم که حضرت رضا مرا در روز جزا شفاعت کند. چون بخشش او فراتر از بخشش تمامی مردم است. باران کرمش، ابر پر باران را خجل زده کرده است.»

آنچه در این ابیات و بعد از آن قابل مشاهده است، استفاده مکرر شاعر از روش استدلال است. از ابتدای قصیده، تعلیل‌ها و استشهادها حضور پررنگی داشتند. در اینجا نیز شاعر همین روش را دنبال می‌کند و علل و اسباب مهاجرتش را توضیح می‌دهد. آنچه باعث شده شاعر غربت و رنج سفر و دوری از وطن را تحمل کند همان طلب علم و پایبندی به راه خاندان نبوت علیهم السلام است. شاعر در ممدوح خود سجایا و خصلت‌هایی می‌بیند که در آرزوی بهره‌مندی از آن هاست. او در کنار مضجع امام خوشبخت است و چنانچه از او دور بماند بدبخت می‌گردد:

فواضله عن التعدادِ جَلَّتْ وَجَمَّتْ عن حسابٍ أو کتابِ
سأظفرُ فی حماه بخیرِ خیرٍ وتوفیقٍ وولفی واقترابِ
إذا ما غبتُ يوماً عن حماه فطعمُ الشَّهْدِ عندي طعمُ صابِ
وإنَّ رقابنا رِقُّ الخطايا فإن یشفع نئل عتق الرقابِ

(همان: ۹۸)

ترجمه: «فضل و کرمش بی شمار است و در حساب و کتاب نمی‌گنجد. در حریم او بهترین‌ها را به دست خواهیم آورد و به موفقیت، قُرب و مجاورت نائل خواهیم آمد. اگر روزی از حریمش غیبت کنم، شاهد شیرین تلخ خواهد شد. ما برده گناهیم و چنانچه حضرت، ما را شفاعت کند آزاد خواهیم شد.»

شاعر با این ابیات عواطف راستین، احساسات قلبی، نجوهای درونی، رؤیاهای دیرین و خواسته‌ها و آرزوهای خود را با عبارات ساده، زیبا و روان بیان می‌کند. از هرگونه تصنع، تکلف، مبالغه و غلو در توصیف ممدوح خود پرهیز می‌کند، و خالصانه و صادقانه به بازگو کردن مراد خویش می‌پردازد. بدین شکل، ناب‌ترین و زیباترین توصیف‌ها در حق ممدوح خود ایراد می‌کند.

توصیف شاعر با جمله‌های کوتاه و تشبیه‌های ساده آغاز می‌شود و این شگرد خاص بیانی است که در راستای جذب مخاطب از رهگذر عبارات موجز، اثرگذار و زیبا به کار گرفته

می‌شود. آشنا کردن مخاطب با جد بزرگ ممدوح که الگوی فضیلت‌ها و خصلت‌های پاک است، نشانهٔ دقت شاعر در برقراری ارتباط بین اوصاف ممدوح و سجایای اخلاقی حضرت علی (علیه السلام) است:

هو الذَّهَبُ الْمُصَفَّى وَاللَّائِي وَيُكْنَى جَدُّهُ بِأَبِي تُرَابٍ
 حوى كُلِّ الْمَفَاخِرِ وَالْمَعَالِي وَكُلِّ مَزِيَّةٍ فِي كُلِّ بَابٍ
 وَمَدْحِي مَجْدُهُ فَخْرِي وَذُخْرِي وَخَيْرٌ وَسِيلَةٌ يَوْمَ الْمُنَابِ
 خُرَاسَانَ اسْتَجَارَتْ وَاسْتَنْارَتْ بِهِ فَالْأَرْضُ مُشْرِقَةُ الشُّعَابِ
 وَلَيْسَ يَخَافُ بِأَسْأَمِنَ عَدُوًّا وَهَلْ يَخْشَى الدَّجَاةَ لَيْتَ غَابِ

(همان: ۹۸)

ترجمه: «او طلای ناب و گوهر نفیس است. جدش ابوتراب نام دارد که تمامی شرافت‌ها، افتخارات و امتیازات هر امری را از آن خود کرده است. مدح او و ستایش اصل و نسبش مایهٔ افتخار من است و در روز جزا بهترین توشه برای من خواهد بود. خراسان به او پناه آورده و به خاطر وجود مبارکش روشن شده است. از این‌رو، تمام این سرزمین نورانی شده است. او از هیچ دشمنی نمی‌هراسد. مگر شیر جنگل از مرغ می‌هراسد؟!»

حُرّ عاملی در این ابیات به اصل و نسب امام رضا (علیه السلام) و سلالهٔ پاک ایشان که به حضرت علی (علیه السلام) ختم می‌شود، اشاره می‌کند. از امامی یاد می‌کند که حاوی عصارهٔ فضیلت‌ها و منقبت‌ها و کمالات است. تمامی مراتب بالندگی را به دست آورده است. از این‌رو، شاعر به خاطر کسب ثواب اخروی به مدح امام و ذکر مناقب او روی می‌آورد. شاعر بر این باور است که مدح امام به‌عنوان توشهٔ اخروی و وسیلهٔ نجات در روز جزا شمرده می‌شود. به همین خاطر او از این امر بسیار خشنود است.

شاعر پس از وصف ممدوح خود و بیان سجایای اخلاقی او به یک موضوع اعتقادی اشاره می‌کند که بسیار مهم و واقع‌بینانه است. این موضوع در بیان اسناد، دلایل و معجزات امامت حضرت رضا (علیه السلام) و رویکرد کلامی و استدلالی است که شاعر همواره از ابتدا تا

انتهای این شعر از آن بهره برده است:

أَتَانَا فِي إِمَامَتِهِ نَصُوصٌ أَبَادَتِ كُلِّ شَكٍّ وَارْتِيَابِ
تَلَّتْهَا مَعْجَزَاتٌ لَيْسَ تُحْصَى أَيُحْصَى الْقَطْرُ مِنْ وَدْقِ السَّحَابِ

(همان: ۹۸)

ترجمه: «در اثبات امامتش روایاتی نقل شده که هرگونه شک و شبهه را از بین می برد. در پی این روایات، معجزه‌هایی بی‌شمار آمده که مانند قطرات باران غیرقابل شمارش هستند.»

شیخ عاملی در خصوص احادیث و روایات نقل شده در اثبات امامت امام رضا (علیه السلام) فصل وسیع و مستقلی را در کتاب بزرگ خود «إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات» آورده و به نقل بیش از ۸۰ حدیث از کتب شیعه و اهل سنت در خصوص اثبات امامت امام هشتم و دیگر ائمه اهل بیت (علیهم السلام) پرداخته است (حُر عاملی، ۲۰۰۴، ج ۴: ۲۸۷). این موضوع اعتقادی از جمله دغدغه‌ها و موضوعات مهم شیخ حُر بوده که بیشترین تألیفات و تصنیفات شیخ را به خود اختصاص داده است. مجموعه تألیفات و تحقیقات ایشان در این باره بسیار معروف و مشهور بوده و همواره مورد استفاده محققان قرار می گرفته است.

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲-۲-۶. ظهور امام زمان (علیه السلام)

شاعر بعد از بررسی موضوع فوق به مبحث مهمی اشاره می کند تا پایان بخش شعر خود باشد. این موضوع نیز یکی از موضوعات مهم اعتقادی است. حُر عاملی پس از طرح موضوع امامت امام هشتم (علیه السلام) به ظهور حضرت حجت (علیه السلام) اشاره می کند و آن را در راستای موضوع قبلی قرار می دهد:

وَعَوْدُ الْغَائِبِ الْمَهْدِيِّ يَوْمًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ عَوْدِ الشَّبَابِ
مَضَى أَبَاؤُهُ قَتْلًا وَمَوْتًا وَغَابَ فَلَيتَ يَسْخُو بِالْأَيَابِ

(حُر عاملی، دیوان: ۹۹)

ترجمه: «بازگشت امام غایب حضرت مهدی (علیه السلام) از بازگشت جوانی دوست داشتنی‌تر است. همهٔ پدران حضرت شهید و کشته شدند و او از دیده‌ها پنهان گشته. ای کاش کرم نمایم و بازگردد.»

این انتقال موضوعی در اشعار ولایی حُرّ بسیار مشهود است. شاعر در اغلب قصاید مربوط به اهل بیت (علیهم السلام) به موضوع ظهور امام مهدی (علیه السلام) ختم می‌کند. این رویکرد که از شاخص‌های مهم سبک شاعر به شمار می‌رود در همهٔ این قصاید دیده می‌شود، چه قصاید مدح باشد و چه رثا. تأکید شاعر بر این موضوع مهم نشانگر جوهری و اساسی بودن این موضوع بسیار مهم اعتقادی است. موضوعی که خلاصهٔ دین مبین اسلام و آموزه‌های سازندهٔ اهل بیت (علیهم السلام) در آن نهفته است. شاعر نه تنها به اهمیت این موضوع می‌پردازد بلکه به زحماتی که ائمه علیهم السلام در این راه متحمل شدند نیز اشاره می‌کند. وی امیدوار است که این راه پرخطر و مشقت‌آور به ظهور حضرت حجت (علیه السلام) ختم شود، و سر انجام به آرزوهای خود برسد:

عسی آیات نور سَنَاهُ تُتْلَى
وَتَنْسَخُ حُكْمَ آيَاتِ الْحِجَابِ
عَسَاءُ شَافِعَ لِي عِنْدَ رَبِّي
فَانْجُو مِنْ عِقَابٍ أَوْ عِتَابٍ
فَإِنَّ اللَّهَ وَهَابُ الْعَطَايَا
وَيَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِلَا حِسَابٍ

(همان: ۹۹)

ترجمه: «کاش آیات نورانیش تلاوت شوند و حکم آیات غیبت را منسوخ کنند. کاش مرا نزد خدا شفاعت کند تا از هر عذاب و عقابی نجات یابم. همانا خداوند متعال بخشنده است و به هرکس که اراده کند روزی می‌رساند.»

شاعر در دو بیت متوالی از فعل «عسی» که به معنی امید و رجاء است استفاده می‌کند. شروع ابیات پایانی این قصیده با این افعال نشان از نگاه خوش‌بینانهٔ حُرّ به سرانجام کار و پایان خوش اوست. ذکر آرزوها و خواسته‌های قلبی شاعر با دو استدلال عقلی و نقلی همراه شده است. اول: اشاره شاعر به یکی از صفات خداوند متعال است که همان

بخشندگی اوست و دوم: بهره‌مندی از صنعت اقتباس است که شاعر به بخشی از آیه ۳۸ سوره نور: «وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حَسَابٍ» اشاره می‌کند. و این همان روش استدلال کلامی شاعر بوده که پیوسته در این قصیده حضور پررنگ داشته است.

شاعر در پایان قصیده خود علاوه بر یادآوری معانی مد نظر از چند صنعت بلاغی و بدیعی استفاده می‌کند. بدیهی است که این امر، زیبایی شعر را دوچندان می‌کند و میزان اثرگذاری بر مخاطب را وسعت می‌بخشد. شاعر زیبایی وصف ممدوح را همانند زیبایی بیان قرآن می‌داند. وی پس از این تشبیه جذاب از صنعت بدیعی به نام طباق استفاده می‌کند. این نوع از محسنات معنوی که به تضاد نیز مشهور است در دو فعل «دنوت» و «نأیت» قابل مشاهده است. شاعر در ادامه نوعی جناس ظریف بین «الصبا» و «التصابی» برقرار می‌کند تا به حسن ختام شعر نزدیک شود:

وَحُسْنٌ مَدِيحَةٍ فِي الْكُتُبِ يَحْكِي فَنُونَ الْحُسْنِ مِنْ أُمَّ الْكِتَابِ
 دَنُوتٌ إِلَى الْمُنَى مِنْهُ وَأَنْتِي نَأَيْتُ عَنِ الصَّبَا وَعَنِ التَّصَابِي
 إِلَيْهِ أَشْرَفُ الصَّلَوَاتِ تُهْدِي وَتُنْتَلِي بِالْثَنَاءِ الْمُسْتَطَابِ

(همان: ۹۹)

ترجمه: «مدح زیبا و بی‌شمار او که در کتاب‌ها به‌وفور ذکر شده، حاکی از بیان زیبای ذکر حکیم است. قُرب من به او به مثابه نزدیک شدن به آرزوها و دور شدن از جوانی و عشق بازی است. بهترین درودها به او فرستاده می‌شود و پاک‌ترین ثناها برای او خوانده می‌شود.»

قصیده حُر عاملی در مدح امام رضا (علیه السلام) در این جا به پایان می‌رسد و همان طور که قبلاً اشاره شده، این قصیده تنها قصیده شاعر است که به صورت کامل به ستایش امام هشتم (علیه السلام) اختصاص یافته است. ذکر این نکته نیز مهم به نظر می‌رسد که شاعر در دیوان خود اشعار فراوانی را در ذکر اهل بیت (علیهم السلام) سروده که به مقام امام رضا (علیه السلام) نیز اشاره کرده است. حُر عاملی به غیر از این قصاید، منظومه‌ای بلند در ۱۲۶۱ بیت در

موضوع سیرهٔ پیامبر ﷺ و تاریخ اهل بیت (علیهم السلام) سروده که ۷۷ بیت آن به سرگذشت امام رضا (علیه السلام) و ذکر مناقب ایشان اختصاص داده است (حُرّ عاملی، منظومه: ۱۷).

۲-۳. ویژگی‌های فنی قصیده

شاعران و ادیبان در انتقال افکار و ایده‌های خود به مخاطبان از یک روش مشخص بیانی استفاده می‌کنند. هر کدام از پدیدآورندگان آثار ادبی روش منحصر به فرد خود را دارند؛ بنابراین، آنچه شاعران را از یکدیگر متمایز می‌کند، سبک شعری آن‌ها است. در تعریف اصطلاحی سبک آمده: سبک شیوهٔ گفتن و روشی است که شاعر و نویسنده برای بیان خود برمی‌گزیند. شاعر و نویسنده به واسطهٔ سبک در تمام مراحل از انتخاب موضوع گرفته تا نوع کلمات، لحن و سیاق تألیف عناصر گوناگون، تأثیر خود را بر اثر بر جا می‌نهد (داد، ۱۳۷۸: ۲۶۵).

از آنجا که شیوه‌های بیانی و سبک‌های ادبی شاعران و نویسندگان از تفاوت‌های عمده‌ای برخوردارند و برتری هر یک به رعایت معیارهای دقیق فنی منوط شده است. از این رو، استفاده از ایجاز یا اطناب، به کارگیری استشهاد و استدلال، بر خوداری از رویکردی روشن در گزینش الفاظ و معانی و ترکیبات، خلاقیت در ابداع ایده‌های تازه و افکار ابتکاری و بهره‌مندی از صور خیال و آرایه‌های بدیعی از جمله معیارهایی است که در شناساندن سبک پدیدآورندهٔ اثر ادبی مؤثر شناخته شدند (شایب، ۱۹۹۱: ۴۵).

با در نظر گرفتن معیارهای فوق می‌توان سبک سرودن یک شعر را از چند بُعد و زاویه بررسی و شناسایی کرد. لفظ، معنی و صنعت از جمله بخش‌های تشکیل دهندهٔ سبک بیانی یک قصیده به شمار می‌روند که با بررسی آن‌ها شاکلهٔ فنی اثر مشخص می‌گردد. در تحلیل قصیدهٔ حُرّ عاملی به برخی خصوصیات ظاهری شعر اشاره رفته، و در این بخش به ویژگی‌های فنی آن می‌پردازیم:

۲-۳-۱. ویژگی‌های الفاظ

آنچه در وهله اول از خواندن این قصیده معلوم می‌گردد بیان ساده، آهنگین و قابل فهم برای همگان قصیده است. الفاظ به کار رفته در شعر بسیار روشن، واضح، ساده و نیاز به شرح و تفسیر ندارند و برای عموم مردم قابل درک است. به همین خاطر این شعر از هرگونه ابهام، پیچیدگی‌های لفظی و خیال‌پردازی‌های شاعرانه دور بوده است. همان طوری که قبلاً به آن اشاره شد، هدف شاعر از سرودن این قصیده بهره‌مندی حداکثر خوانندگان از مضامین عالی و مطالب و محتوای ارزشمند این شعر بوده که در راستای حفظ و ترویج آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) قرار گرفته است. از این رو، به کارگیری اصطلاحات علمی، الفاظ نامأنوس، واژگان دشوار و عبارات ناآشنا برای عموم جامعه در این قصیده جایگاهی نداشته است. علاوه بر دریافت سریع مطالب این قصیده از سوی قشرهای مختلف، حفظ کردن این شعر با توجه به آهنگ زیبای آن بسیار ساده و آسان است و این امر نیز در راستای تحقق همان هدف منظور شده است.

از دیگر ویژگی‌های این شعر گزینش الفاظ فصیح عربی و استفاده نکردن از واژگان عامی، معرّب یا غیرعربی است. علاوه بر گزینش این الفاظ فصیح و صریح، چینش استادانه این کلمات در قالب جملات دقیق و ترکیبات زیبا به فهم آسان محتوا کمک می‌کند و می‌توان به عنوان یکی از شاخص‌های برجسته این بخش به‌شمار آورد.

در این شعر و بر اساس معیار سنجی الفاظ، واژگان متروک، غریب، کم‌کاربرد و نازیبا دیده نشده و بیشتر با زبان فصیح دوران شاعر منطبق است. در آمیختگی دو عنصر فصاحت کلام و روشنی بیان، جلوه خاصی به این قصیده بخشیده است.

۲-۳-۲. ویژگی‌های معانی

معانی مطرح شده در این شعر با توجه به ارتباط آن‌ها با اعتقادات دینی و مذهبی شاعر همانند الفاظ از قدرت انتقال سریع مضمون برخوردار است. نکته حائز اهمیت در

این موضوع همخوانی، تناسب و به‌هم پیوستگی معانی با الفاظ است. وفاداری لفظ به معنی و ارجح نبودن هر یک بر دیگری در کنار واقع‌بین و راستین بودن معانی از جمله معیارهای مهم معنی‌شناسی و نقد ادبی متن محسوب می‌شوند (عتیق، ۱۹۷۲: ۱۴۴). این ویژگی‌ها در معانی به‌کار رفته در این شعر کاملاً مشهود است.

افزون بر این، تسلسل منطقی، نظم‌یافتگی، هماهنگی و دوری معانی از هرگونه تنافر و تضاد از دیگر خصوصیات به‌شمار می‌رود که در معانی این قصیده متجلی است. تناسب الفاظ با معانی و تتابع سیال و پرفروغ آن‌ها حاکی از ذهن خلاق و حافظهٔ قوی شاعر در فراخواندن واژه‌ها به فراخور معانی مد نظر است.

اگر از گیرایی محسوس و ریتم زیبای قصیده بگذریم، زبان شعر که از فراوانی کلمات، روشنی معانی، سادگی ترکیبات و هماهنگی عبارات برخوردار است، خود عامل دیگری در جذب مخاطب محسوب می‌شود؛ بنابراین مخاطب با بافت سه بعدی متشکل از لفظ، معنی و آهنگ روبه‌روست. این تصویر مجسم با جزئیات هماهنگ که از ابتدا تا انتهای قصیده قابل مشاهده است تصویر یک اثر هنری منظوم است که بدون خدشه و ابهام در برابر دیدگان مخاطب نهاده شده است. قصیده از هرگونه کلمات غیر مستعمل، نامأنوس و مبهم تهی بوده و خواننده در فهم سریع آن نیاز به تأمل و اعمال فکر نیست. این سبک در بیشتر اشعار ولایی شاعر مشهود است؛ چون اقتضای موقعیت و مناسبت، شاعر را ملزم می‌کند به شکل صریح شعر بسراید.

۲-۳-۳. ویژگی‌های صنایع بدیعی

شاعر برای این که منظور خود را به زیباترین وجه و بهترین حالت به مخاطب القا کند از صنایع بدیعی و محسنات لفظی و معنوی استفاده کرده است. در برخی ابیات این قصیده مضامین و محتوای شعر آن چنان با آرایه‌های بلاغی عجین شده است که تفکیک آن‌ها دشوار به نظر می‌رسد. در تحلیل ابیات پیشین به چند مورد آن اشاره شده است. حُرّ عاملی در این قصیده از علم بدیع بهره برده و به زیبایی توانسته مفاهیم عمیق را در قالب

بیانی آراسته و فاخر منتقل کند.

از جمله صنایع این علم که در این قصیده به کار رفته صنعت «مراعات النظیر» است. این صنعت از محسنات معنوی به شمار می‌آید و شاعر با آوردن کلماتی که تناسب و هماهنگی از نظر لفظ و معنا با هم دارند به شبیه‌سازی معنایی می‌پردازد. این صنعت بدیعی را در ابیات هفتم تا نهم این قصیده می‌توان ملاحظه کرد و بیشتر بین کلمات مترادفی چون «ملامی» و «عتابی»، «محتنی» و «عذابی»، «جد» و «اجتهاد» قابل مشاهده است.

از دیگر آرایه‌های بدیعی که به جذابیت و زیبایی بیان کمک می‌کند، صنعت جناس است. این صنعت یکی از پرکاربردترین صنایع بدیعی است و بین واژه‌هایی به کار می‌رود که از نظر وزن و آهنگ یکسان و از نظر معنی متفاوت هستند. شاعر با کمک این صنعت در بیت ۱۶ و ۱۷ بین دو واژه «ثامن» و «ضامن»، و «کریم» و «علیم» یک همخوانی جالب توجهی به وجود آورده است. این موافقت و همخوانی که دور از تصنع و تکلف بوده، آهنگی دلنشین و خوش نوایی را به ارمان آورده است.

در این جا ذکر این مطلب عاری از فایده نخواهد بود که شاعر در این قصیده از جناس‌هایی بسیار منسجم و هماهنگ استفاده کرده است. برای نمونه، جناس بین «فخری» و «ذخری» در بیت ۳۷ و همچنین جناس بین «استجارت» و «استنارت» در بیت ۳۸ در نشان دادن تصویرهای شاعرانه ابیات بسیار زیبا عمل کرده و به نظم کلام، شفافیت معانی و روانی عبارات کمک شایانی کرده است.

در پایان می‌توان گفت که شاعر در نظم قصیده خود از سبکی پیروی کرده که عناصر آن کاملاً مشخص است. ایجاز در بیان مطالب و عدم مبالغه، رعایت شیوه‌های متکلمین در اقناع مخاطب از رهگذر استشهاد و استدلال، بهره‌گیری از ذوق سلیم و ذهن سرشار در گزینش کلمات و چینش عبارات و استفاده از آرایه‌های بدیعی مانند جناس و طباق و ... از جمله نشانه‌های شاخص و عناصر قابل تشخیص سبک شاعر می‌توان به‌شمار آورد.

۳. نتیجه‌گیری

از بررسی و تحلیل قصیدهٔ حُرّ عاملی در مدح امام رضا (علیه السلام) نتایج قابل توجهی به این شرح به دست آمد:

۱. شاعر با نظم این قصیده خلوص نیت و عشق خود را به امام هشتم (علیه السلام) ثابت کرده و بر پایبندی به دین اسلام و محبت اهل بیت (علیهم السلام) تأکید کرده است.

۲. حُرّ عاملی با هدف احیای شعائر الهی و زنده نگه‌داشتن دین و گرامی داشتن یاد و خاطرهٔ امام رضا (علیه السلام) در اذهان عموم مردم به نظم این قصیدهٔ زیبا دست زده است.

۳. این قصیده که در ۴۹ بیت سروده شده دارای مضامینی بلند با موضوعات دینی و اعتقادی و نیز زبانی ساده که برای همگان قابل فهم بوده و همچنین از تصاویر جذاب ادبی برخوردار است.

۴. مضامین قصیده در چند موضوع اصلی خلاصه می‌شود: نخست بیان آرزوهای قلبی شاعر در کسب علم و فضیلت از راه مهاجرت به خراسان و مجاورت با امام هشتم. دوم مدح امام و بیان روایات و دلایل امامت ایشان و همچنین توصیف علم وسیع و قدرت احتجاج او. سوم شفیع قرار دادن حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در روز جزا. چهارم یادآوری ظهور امام زمان (علیه السلام) و درود فرستادن به ساحت مقدس او.

۵. از جمله ویژگی‌های این شعر می‌توان به این موارد اشاره کرد: استفاده از الفاظ فصیح عربی و دوری کلام از هرگونه پیچیدگی و ابهام، تناسب و همخوانی معانی با الفاظ به کار رفته، تسلسل منطقی مفاهیم و مضامین به صورت مستند و مستدل، رعایت ایجاز و ترک اطناب در بیان مطالب، استفادهٔ بهینه از صور خیال و محسنات لفظی و معنوی در قالب آرایه‌های ابتکاری بدیعی و بهره‌گیری از فن تصویر در مجسم کردن وقایع.

۶. استفاده از روش متکلمان در متقاعد ساختن مخاطب و به‌کارگیری اصول علم کلام مانند: قیاس، احتجاج و استدلال از ابتدا تا انتهای قصیده کاملاً محسوس و ملموس بوده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابن معصوم، علی. (۱۹۶۹). *أنوار الربيع في أنواع البديع*. تحقيق: شاکر هادی شکر. نجف: مطبعة النعمان.
- امین، محسن. (۱۹۸۳). *أعيان الشيعة*. تحقيق: حسن الامين. بيروت: دار التعارف.
- _____ . (۲۰۰۴). *روائع الشعر العالمي*. بيروت: دار المحججه البيضاء .
- انيس، ابراهيم. (۱۹۵۲). *موسيقى الشعر*. القاهرة: مكتبة الانجلو المصريه.
- حرّ عاملي، محمّد بن حسن. (۲۰۰۴). *إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات*. بيروت: مؤسسه الاعلمي للمطبوعات.
- _____ . (۱۹۸۳). *أمل الآمل*. تحقيق: سيداحمد حسيني. قم: دار الكتاب الاسلامي.
- _____ . *نسخة خطي: ديوان الحر العاملي*. تهران: كتابخانه ملك، شماره: ۶۰۲.
- _____ . *نسخة خطي: منظومه في تاريخ أهل بيت العصمه*. تهران: كتابخانه مجلس شورای اسلامي، شماره: ۵۳۳۹.
- حر، عبد المجيد. (۱۹۸۲). *معالم الأدب العالمي حتى القرن الثاني عشر الهجري*. بيروت: دار الآفاق الجديده.
- خشن، حسين احمد. (۲۰۰۹). *الحر العاملي: موسوعه الحديث والفقه والأدب*. بيروت: دار الملاك.
- داد، سيما. (۱۳۷۸). *فرهنگ اصطلاحات ادبي*. تهران: انتشارات مرواريد.
- شايب، احمد. (۱۹۹۱). *الأسلوب*. القاهرة: مكتبة النهضة المصريه.
- شريف رضى، محمد. (۱۹۶۸). *المجازات النبويه*. تحقيق: طه محمد الزيني. القاهرة: مؤسسه الحلبي.
- طبرسي، احمد. (۱۳۸۰). *الاحتجاج*. قم: انتشارات شريف رضى.
- طيب، اسعد. (۱۴۱۲ق). «تخميس لاميه العجم للحر العاملي». *تراثنا*. سال ۷. شماره ۲۸. صص: ۱۶۳-۱۹۲.
- ظاهر، سليمان. (۲۰۰۶). *معجم قرى جبل عامل*. بيروت: مؤسسه امام صادق (عليه السلام).
- عتيق، عبد العزيز. (۱۹۷۲). *في النقد الأدبي*. بيروت: دار النهضة العربيه.
- عدنان، كاظم مهدي شعبان؛ نجادي، صادق فوزي. (۲۰۱۵). «غديريّه الشيخ الحر العاملي في مدح الامام علي (عليه السلام)». *الانسكلوبيديا العلويه. أكاديميه الكوفه*. جلد ۴. صص: ۱۸۰-۱۹۵.
- مجلسي، محمد باقر. (۱۹۸۳). *بحار الأنوار*. بيروت: دار احياء التراث العربي.
- مكّي، محمد كاظم. (۱۹۸۲). *الحركة الفكرية والأدبية في جبل عامل*. بيروت: دار الاندلس.
- مولوي، اسد. (۱۴۱۰ق). «غديريّه للشيخ محمد بن الحسن الحر العاملي». *مجله تراثنا*. سال ۵. شماره ۲۱. صص: ۳۶۷-۳۸۸.